

مقام معظم رهبری:  
«جنگ، محاصره اقتصادی، همدستی قدرت‌های بزرگ علیه ایران، تباری نیروهای نظامی اروپا و آمریکا علیه ما، توطئه‌های داخلی، نفوذهای دشمن، طراحی کودتا، نفوذ لیبرال‌ها و ملی‌گراها و بی‌اعتقادان به اسلام و مردم، مسیرهای صعب‌العبوری بودند که ما آن‌ها را با سلامت پشت سر گذاشته‌ایم...»<sup>۱</sup>

# عراق غرق در محبت شرق و غرب

مهیا زاهدین لباف

اشاره:

انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تحت شرایطی خاص به پیروزی رسید. تأکید بر اصل استقلال و مقابله با سلطه شرق و غرب؛ از جمله سیاست‌گذاری‌هایی بود که به مذاق بسیاری از دولت‌های قدرتمند جهان خوش نیامد و ترس از گسترش موج اسلام‌گرایی نه تنها در منطقه خاورمیانه؛ بلکه در سراسر جهان موضوعی بود که منافع آن‌ها را بیش از پیش تهدید می‌کرد. شرق و غرب بر آن شدند تا در مقابل ایران قد علم کنند و دستاورد این موضع‌گیری، برنامه‌ریزی دقیقی بود که باعث شد در سال ۱۳۵۹ ایران به صورت کاملاً ناگزیری وارد یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های منطقه‌ای در قرن بیستم شود.



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله جامع علوم انسانی

**با گسترش اختلاف میان نیروهای انقلابی با عناصر ضد انقلاب به رهبری منافقین و بنی‌صدر، عدم کفایت بنی‌صدر در مجلس مطرح و او از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عزل شد. در این زمان سازمان با نشر اعلامیه‌ای رسماً به نفع بنی‌صدر وارد مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی شد.**

**اعضای سازمان مجاهدین خلق که با افزایش قدرت داخلی و مشروعیت مردمی دولت جمهوری اسلامی مواجه شد و اندک اندک عرصه فعالیت را برای خود تنگ می‌دید، تصمیم گرفتند از ایران خارج شوند؛ لذا بقایای نیروی خود را به عراق منتقل و از آنجا فعالیت‌های خود را علیه جمهوری اسلامی پایه‌ریزی کردند.**

پس از پیروزی انقلاب و اختلاف این گروه با گروه‌های انقلابی، مواضع منافقین روشن‌تر شد و آن‌ها تبدیل به عناصری در جهت مخالفت با نظام انقلابی ایران و دولت ایران گردیدند. در سال‌های اولیه انقلاب به ویژه دهه ۱۳۶۰، ایران با موج دهشتناکی از ترور مواجه بود و بسیاری از افراد و شخصیت‌های وفادار به امام علیه السلام و انقلاب در این راستا به شهادت رسیدند. اندک اندک صدای همکاری این گروه با رژیم عراق به گوش می‌رسید و هنگامی که تضادهای درونی حاکمیت بین نیروهای حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر افزایش یافت، آن‌ها سعی کردند با حمایت از بنی‌صدر، رقیب اصلی خود را که همان حزب جمهوری اسلامی بود به کنار نهند.<sup>۲</sup>

در چنین شرایطی سازمان احساس کرد آوای برکناری بنی‌صدر به گوش می‌رسد و آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اگر تا پیش از این، حاکمیت سیاسی مرکب از لیبرال‌ها و حزب جمهوری اسلامی بود، با احتمال عزل بنی‌صدر، این شرایط از بین رفته و تنها حزب جمهوری اسلامی می‌ماند تا حاکمیت سیاسی کشور را به دست گیرد. لذا سازمان تصمیم گرفت نوک حمله را متوجه حزب جمهوری اسلامی سازد.<sup>۳</sup>

با گسترش اختلاف میان نیروهای انقلابی با عناصر ضد انقلاب به رهبری منافقین و بنی‌صدر، عدم کفایت بنی‌صدر در مجلس مطرح و او از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عزل شد. در این زمان سازمان با نشر اعلامیه‌ای رسماً به نفع بنی‌صدر وارد مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی شد و طی روزهای آینده ترور نیروهای خط امام که از ارکان اصلی دولت بودند، در دستور کار سازمان قرار گرفت. از سوی دیگر نیروهای انقلابی که خواستار سرعت عمل در حذف بنی‌صدر بودند، روز ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ در بیرون مجلس تجمع کردند. گروهک‌های ضد انقلاب و طرفدار بنی‌صدر که تدارک وسیعی برای ایجاد آشوب و جلوگیری از کار مجلس دیده بودند، اعلان مبارزه مسلحانه کردند. بعد از ظهر همان روز اعضای گروهک منافقین به خیابان‌ها ریختند و به تخریب اموال عمومی و قتل و غارت و آشوب در تهران و بسیاری از شهرستان‌ها پرداختند. نیروهای مردمی، سپاه و کمیته مقاومت کردند و آشوبگران شکست خورده و متفرق شدند.<sup>۴</sup>

در تابستان ۱۳۶۰ در حالی که فضای ترور بر ایران حاکم بود، دولتمردان دست به شناسایی و انهدام این گروه زدند. اعضای سازمان مجاهدین خلق که با افزایش قدرت داخلی و مشروعیت مردمی دولت جمهوری اسلامی مواجه شد و اندک اندک عرصه فعالیت را برای خود تنگ می‌دید، تصمیم گرفتند از ایران خارج شوند؛ لذا بقایای نیروی خود را به عراق منتقل و از آنجا فعالیت‌های خود را علیه جمهوری اسلامی پایه‌ریزی کردند. آن‌ها پس از دیدار مسعود رجوی (رئیس سازمان) با صدام حسین، به حزب عراق پیوستند تا ضمن همکاری با عراق در جنگ علیه ایران، به تحرکات نظامی خود در خارج از کشور ادامه دهند.<sup>۵</sup>

در اوایل دهه ۱۳۶۰ انقلاب نوپای ایران علاوه بر درگیری‌هایی خارجی، دچار آشوب‌های داخلی نیز بود. هرج و مرج‌های سازمان یافته و تروریسم؛ از جمله خطرناک‌ترین نوع خشونت‌های سیاسی در جهان به شمار می‌رود که گاه نیروهای مخالف داخلی برای پیشبرد اهداف برتری‌جویانه خود به آن دست می‌زنند. اصولاً ترور و خشونت با چهار انگیزه صورت می‌گیرد: کسب قدرت، حفظ قدرت، اعمال قدرت و از بین بردن رهبران. آمارها نشانگر حمله موجی بزرگ از ترورهای داخلی در ایران طی سال ۱۳۶۰ است و سیر صعودی شهدای ترور در این سال مؤید این فرضیه است که دشمنان و مخالفان داخلی این انقلاب حذف فیزیکی فعالان سیاسی را در دستور کار خود قرار داده بودند و از این طریق با دشمنان خارجی همسو شده و بر پایه‌های انقلاب ضربه وارد می‌ساختند.

مجموع این عوامل داخلی و خارجی باعث شد تا ایران در این برهه زمانی مجبور باشد در دو جناح بجنگد و ما امروز با گذشت تقریباً سه دهه از آن جریانات، با تروق تاریخ، شاهد بهار و تابستانی داغ و جنجالی - از جنبه سیاسی - در اوایل دهه ۱۳۶۰ ایران هستیم.

### ایران و مبارزه با آشوب‌های داخلی

بررسی تاریخ، نمایانگر وجود ارتباط مستقیم بین اوضاع ناآرام داخلی و حضور قدرت‌های بیگانه برای مداخله در مسائل مربوط به کشورهای درگیر در منازعات داخلی است. پس از وقوع هر انقلاب، گروه‌های انقلابی ضعیف یا گروه‌هایی که برای ائتلاف با گروه انقلابی حاکم و مشارکت در قدرت سیاسی موفقیتی به دست نیاورده‌اند، به موضع‌گیری در برابر گروه حاکم می‌پردازند و در این راستا می‌کوشند تا برای بالا بردن شانس موفقیت خود، حمایت کشورهای خارجی و گروه‌های مخالف در یک کشور را برای کشوری ثالث که قصد توسعه‌طلبی دارد به کار گیرند و این خود به منزله محرکی برای آغاز جنگ محسوب می‌شود. در چنین حالتی گروه‌های مخالف حکومت سعی می‌کنند اهداف خود را با کشورهای مهاجم پیوند زده و تمام امکانات محلی و قدرت خود را در راستای تحقق اهداف مشترک به کار گیرند.

در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب نیز همین جریانات برای ایران رخ داد. گروه‌های مخالف نظام انقلابی ایران، چون جبهه خلق عرب (در سال‌های اولیه جنگ)، سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) و حزب دموکرات کردستان و حزب کوموله؛ در صدد برآمدن تا از شرایط پیش آمده برای تضعیف انقلاب بهره‌وری نمایند. در این میان همکاری سازمان مجاهدین خلق ایران با عراق قابل توجه است.

پیش از پیروزی انقلاب، این سازمان با استفاده از وجود امکاناتی در راستای مبارزات مسلحانه، به یکی از کانون‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی تبدیل شد که عده‌ای نیز به دلیل تظاهر به گرایش‌های اسلامی توسط این گروه به سوی آن جذب شدند.



**پس از رسیدن گزارش‌هایی مبنی بر همکاری گروهک منافقین با دولت بعثی عراق در جنگ علیه ایران و به ویژه همکاری آن‌ها در تخلیه اطلاعاتی اسرا، شناسایی شهرها در هنگام بمباران‌های موشکی عراق و همکاری در قتل‌عام کردهای شمال عراق، نفرت عمومی از آن‌ها شدت یافت و حضور دوباره آن‌ها در کشور غیر ممکن شد.**



پس از رسیدن گزارش‌هایی مبنی بر همکاری گروهک منافقین با دولت بعثی عراق در جنگ علیه ایران و به ویژه همکاری آن‌ها در تخلیه اطلاعاتی اسرا، شناسایی شهرها در هنگام بمباران‌های موشکی عراق و همکاری در قتل‌عام کردهای شمال عراق، نفرت عمومی از آن‌ها شدت یافت و حضور دوباره آن‌ها در کشور غیر ممکن شد.

### ایران در روزهای آغازین نبرد

باید اذعان داشت که آغاز جنگ تحمیلی تصمیم شخص صدام حسین نبود، بلکه این مسئله به بافت سیاسی حاکم بر رژیم وقت عراق و سوء استفاده‌های دشمنان ایران از آن باز می‌گردد. آمریکا در برخورد با ایران مرحله به مرحله مبارزه کرد تا منافع خود را حفظ نماید و در نهایت دست به حرکتی بزرگ علیه ایران زد که همان حمله نظامی بود. لذا برای اجرای این طرح از همسایه ایران - عراق - که شرایط مناسبی را برای اجرای این تصمیم داشت، استفاده کرد.



آنچه در کنار حضور دشمنان داخلی بر اوضاع بحران‌زده ایران در اوایل دهه ۱۳۶۰ دامن می‌زد، حضور کشورهای خارجی به عنوان حامیان عراق در صحنه بود و آنچه این معضل را تشدید می‌کرد، وابستگی سیستم‌های دفاعی و نظامی ایران به تجهیزات و سلاح‌های غرب بود. از سویی جنگ را خود غربی‌ها به ایران تحمیل کرده بودند و از سوی دیگر نسبت به تمامی مقدرات و تجهیزات و توانایی‌های ایران اطلاعات کافی داشتند. آنان طرز مقابله با جنگ‌افزارهای موجود در ایران و نحوه کار آن‌ها را به دشمن بعثی آموزش می‌دادند و از سوی دیگر با ایجاد تحریم‌های اقتصادی و تسلیحاتی، از ورود مهمات و قطعات یدکی مورد نیاز مدافعان و رزمندگان اسلام ممانعت می‌کردند. البته نباید فراموش کرد که در طولانی مدت این تحریم‌ها و عدم کمک‌رسانی‌ها باعث شد تا ایرانیان در این زمینه‌ها به خودکفایی برسند.<sup>۶</sup>

**آمارها نشانگر حمله موجی بزرگ از ترورهای داخلی در ایران طی سال ۱۳۶۰ است و سیر صعودی شهدای ترور در این سال مؤید این فرضیه است که دشمنان و مخالفان داخلی این انقلاب حذف فیزیکی فعالان سیاسی را در دستور کار خود قرار داده بودند و از این طریق با دشمنان خارجی همسو شده و بر پایه‌های انقلاب ضربه وارد می‌ساختند.**

دشمنان داخلی و خارجی به منظور مانع‌تراشی در راه ثبت انقلاب ایران، جنگی تحمیلی را آغاز کردند تا ایران را از ارمان «نه شرقی، نه غربی» خود دور کرده و به اجبار به دامان ابرقدرت‌ها بکشانند. از جمله محدودیت‌های داخلی و خارجی که در طول جنگ به ایران تحمیل شد، عبارت بودند از: محاصره اقتصادی و تسلیحاتی و تأثیرات منفی ناشی از آن، تشدید فعالیت گروهک‌های ضد انقلاب، وجود برخی از ناهماهنگی‌ها در آغاز جنگ بین نیروهای نظامی جدید و قدیم و افرادی مانند بنی‌صدر که برای گسترش اختلافات تلاش می‌کرد، عدم وجود فرصت و تجهیز کافی برای سازماندهی نیروهای مردمی و مدافع، موضوع سازندگی و پرداختن به اداره امور کشور پس از انقلاب، محدودیت‌های تاکتیکی و عدم برخورداری از نیروی هوایی با تجهیزات کافی و نیروی زرهی قدرتمند و در نهایت ممنوعیت و محدودیت‌های اسلامی و اخلاقی در زمینه استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی و موشکی علیه ملت عراق.<sup>۷</sup>

**در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب گروه‌های مخالف نظام انقلابی ایران، چون جبهه خلق عرب (در سال‌های اولیه جنگ)، سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) و حزب دموکرات کردستان و حزب کوموله؛ در صدد برآمدند تا از شرایط پیش آمده برای تضعیف انقلاب بهره‌وری نمایند.**



**دشمنان داخلی و خارجی به منظور مانع‌تراشی در راه ثبت انقلاب ایران، جنگی تحمیلی را آغاز کردند تا ایران را از آرمان «نه شرقی، نه غربی» خود دور کرده و به اجبار به دامان ابرقدرت‌ها بکشانند.**

**آنچه در کنار حضور دشمنان داخلی بر اوضاع بحران‌زده ایران در اوایل دهه ۱۳۶۰ دامنه می‌زد، حضور کشورهای خارجی به عنوان حامیان عراق در صحنه بود و آنچه این معضل را تشدید می‌کرد، وابستگی سیستم‌های دفاعی و نظامی ایران به تجهیزات و سلاح‌های غرب بود.**

### نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ ایران و عراق

۱. کمک‌های اطلاعاتی آمریکا و کشورهای غربی به ارتش عراق<sup>۸</sup> در بین کمک‌های فراوانی که در ابعاد مختلف به دولت و ارتش عراق می‌شد، ارزشمندترین آن‌ها کمک‌های اطلاعاتی بدین گونه بود:

الف) عکس‌های ماهواره‌ای که به طور دقیق از آخرین وضعیت تحرکات و تجمعات نیروهای ایران اطلاع‌رسانی می‌کرد و پس از تفسیر این اطلاعات توسط کارشناسان غربی به صورت آماده در اختیار فرماندهان عراقی قرار داده می‌شد.

ب) سیستم‌های جاسوسی آواکس و تجهیزات الکترونیکی ناوگان‌های آمریکایی مستقر در خلیج فارس، به صورت مداوم مسیر پرواز و تحرکات هواپیماهای ایران را پی‌گیری می‌کردند. آن‌ها ارتباط «بی‌سیم» رزمندگان اسلام را استراق‌سمع و با پخش پارازیت در شبکه‌های مخابراتی آن‌ها ایجاد اختلال نموده و اطلاعات و اقدامات لازم را ضمن ارزیابی و تفسیر، به نیروهای عراقی می‌دادند.

ج) شبکه‌های جاسوسی در سطح جهان با کمک یکدیگر علیه ایران که دشمن مشترک آن‌ها محسوب می‌شد، اطلاعات لازم را در مورد خریدهای تسلیحاتی، نیازمندی‌ها، کمبودها، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانی ملت ایران به صورت مداوم گردآورده و پس از تجزیه و تحلیل، برای انتخاب استراتژی و اقدامات سیاسی و به کارگیری روش‌های مناسب آفندی و پدافندی در اختیار رژیم عراق قرار می‌دادند.

د) اگر در طول ۸ سال جنگ حرکات موفق و هوشمندانه‌ای از سوی نیروهای عراق دیده می‌شد، در نتیجه اقدامات اطلاعاتی بوده که توسط سیستم‌های پیشرفته، در اختیار ارتش عراق گذارده می‌شد.

### اقدامات سیاسی - نظامی آمریکا در حمایت از عراق

آمریکا ابتدا با بغداد روابط دیپلماتیک نداشت، اما از اواسط سال ۱۹۸۰ به بعد؛ برژینسکی، صدام را به عنوان نیروی متعادل‌کننده آیت‌الله خمینی مطرح کرد و صدام را مطمئن ساخت در صورت حمله به ایران، آمریکا به واسطه منافع خودش از وی حمایت خواهد کرد. گاری سیک، مشاور برژینسکی اعلام کرد: «انقلاب اسلامی ایران منافع آمریکا را در منطقه تهدید می‌کند و یک عراق قدرتمند می‌تواند جلوی آرزوهای توسعه‌طلبانه آیت‌الله خمینی را مسدود کند»<sup>۹</sup>

لذا دولت آمریکا کوشید تا شرایط را برای برقراری روابط سیاسی با عراق مساعد کند و در ضمن کوشید تا کشورهای غربی و دولت‌های منطقه خلیج فارس را به نزدیکی با عراق تشویق کند. این کشور حتی زمانی که عراق از نظر سلاح تضعیف شده بود، فرانسه را تشویق کرد تا تحویل اسلحه به عراق را شدت بخشد. از سوی دیگر شرکت آمریکایی «امریکن استیل» به ریاست «لاری هیکی» که فعالیت صادرات حدود ۸۰ نوع کالای تولیدی مختلف از آمریکا به خاورمیانه و بالعکس را به عهده داشت، یکی از

مراکزی بود که در طول هشت سال دفاع مقدس به صورت پنهانی و با کمک دولتمردان کاخ سفید و رئیس سازمان سیا، سلاح و تجهیزات پیشرفته آمریکایی مورد نیاز عراق را تهیه و از طریق اردن به بغداد می‌فرستاد.<sup>۱۰</sup>

در آوریل ۱۹۸۱ «لاری هیکی» و «حوبش» به دعوت و کمک «صالح عمر علی» نماینده دولت عراق در سازمان ملل متحد، به بغداد رفتند و در آن‌جا با «حسین کامل» ملاقات کردند. وی لیست یک زرادخانه کامل به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار از رادار گرفته تا قطعات تانک، هواپیما، هلی‌کوپتر و ... را به آن‌ها ارائه کرد و از آن‌ها خواست تا اقلام مندرج در لیست را برای عراق تهیه نمایند. حدود یکسال بعد «حوبش» دلال معروف سلاح، به بغداد سفر کرد و ضمن ملاقات با صدام و حسین کامل، اعلام نمود تهیه تمام سفارش‌های عراق عملی و در صورت موافقت مقامات دوست در اردن، محموله وارد «امان» و از آن‌جا به بغداد منتقل می‌شود و به منظور استفاده از تجهیزات آمریکایی، پرسنل عراقی با استفاده از پاسپورت اردنی جهت آموزش به آمریکا اعزام شوند.<sup>۱۱</sup>

واسطه‌گری «فرد حوبش» نشانگر تأثیر روابط فردی بر روابط خارجی یک کشور است. وی عملاً با واسطه‌گری خود، موجب شد تا اردن - کشور اصلی وی - تبدیل به انبار مهمات عراق و محل ترانزیت اسلحه جهان غرب به سوی عراق شود.

آمریکا جهت حمایت از عراق، اقدامات اقتصادی زیادی را انجام داد. پس از کاهش صدور نفت از سوی ایران به علت شرایط ایجاد شده بعد از انقلاب، فرصت‌گرانه‌ای برای عراق فراهم شد و آمریکا به حمایت از عراق پرداخت تا جایی که صدور نفت این کشور در آن شرایط بحرانی جنگ به دو برابر رسید. در چنین مناسباتی، جرج دبلیو بوش پدر، با دستورالعمل محرمانه‌ای موسوم به «دستورالعمل امنیت ملی شماره ۷۸» کمپانی‌های نفتی را به همکاری تجاری با عراق تشویق کرد. انتقال اطلاعات ماهواره‌ای آمریکا در دوران ریاست جمهوری ریگان و بوش به عراق، نشانگر دخالت مستقیم آن کشور در سرنوشت جنگ و به نوعی مدیریت بحران موجود در جهت منافع آن کشور محسوب می‌شد. کمک‌های اطلاعاتی این کشور به عراق با اعزام مأموران اطلاعاتی آمریکایی و استقرار یک سیستم اطلاعاتی مستقل در کشور مذکور، تکمیل شد.

دادن وام‌های کلان به دیکتاتور محبوب، بدون نظارت حساب‌رسان مالی صورت می‌گرفت و آمریکا جهت قانع نمودن کشورهای دیگر برای کمک به عراق بسیار تلاش می‌کرد. به طور مثال، وزارت دفاع عراق به رغم بی‌میلی ایتالیایی‌ها اصرار داشت که ناوگان‌های ایتالیایی خریداری شده را به موتورهای توربین گازی جنرال الکتریک آمریکا مجهز کند و آمریکا به حمایت از این قضیه تا مرحله اجرا پرداخت.<sup>۱۲</sup> آمریکا از برزیل به عنوان نقطه انتقال کالا، اسلحه و از اردن به عنوان کشور واسطه و حتی یک مقصد نهایی دروغین استفاده کرد.

از سوی دیگر کارخانه «کارلوس کاردون» از جمله شرکت‌های

**سیستم‌های جاسوسی آواکس و تجهیزات الکترونیکی ناوگان‌های آمریکایی مستقر در خلیج فارس، به صورت مداوم مسیر پرواز و تحرکات هواپیماهای ایران را پیگیری می‌کردند. آن‌ها ارتباط «بی‌سیم» رزمندگان اسلام را استراق سمع نموده و اطلاعات و اقدامات لازم را ضمن ارزیابی و تفسیر، به نیروهای عراقی می‌دادند.**



شلیبایی بود که برای ساختن بمب خوشه‌ای با آمریکا همکاری می‌کرد و این علی‌رغم تحریم آمریکا علیه شلیبی صورت می‌گرفت. همچنین هزاران بمب با نازل‌ترین قیمت و بدون پرداخت حقوق گمرکی و سایر تعرفه‌های بازرگانی، در شهر بندری «ایکوئیک» شلیبی که منطقه آزاد تجاری محسوب می‌شد، برای عراق تولید و ارسال شد. تولید هر بمب خوشه‌ای در کارخانه مذکور هفت هزار دلار و به عبارت دیگر ۱۹ هزار دلار ارزانتر از کارخانه‌های رقیب در اروپا بود.<sup>۱۳</sup>

در این بین «جیمز گورین» در انتقال گلوله‌های توپ از طریق آفریقای جنوبی به عراق فعال بود. انتقال تجهیزات فوق توسط شرکت ISC و با همکاری «کارلوس کاردون» و نظارت دقیق سازمان سیا صورت می‌گرفت و آفریقای جنوبی به منظور تأمین نیازهای نظامی عراق، همکاری وسیعی را با «کاردون» آغاز نمود.

### نقش فرانسه در جنگ علیه ایران

رفتار دولت فرانسه به مرور زمان و پس از آشنایی با اصول سیاست خارجی ایران که مبتنی بر نفی سلطه آمریکا و هم‌پیمانانش بر کشور و تکیه بر استقلال و حمایت از حرکت‌های اسلامی و آزادی‌بخشی ملت‌ها و دوستی با دولت‌های مستضعف آفریقایی و آسیایی بود، دستخوش تغییرات بسیاری شده و اندک‌اندک جو تبلیغاتی داخلی فرانسه علیه ایران شکل گرفت.<sup>۱۴</sup>

به طور کلی موضع‌گیری فرانسه در قبال جنگ ایران و عراق را می‌توان به دو مقطع جداگانه تقسیم کرد. در برهه ابتدایی فرانسه اعلام کرد درگیری بین دو کشور مسئله‌ای دو جانبه است و باید از طریق سیاسی با کمک شورای امنیت حل شود. در این دوران اظهار بی‌طرفی نمود و حمایت خود را از عراق آشکار نساخت. اگرچه این کشور به قراردادهای خود با عراق در زمینه تسلیحات عمل می‌کرد، اما این رفتار دوگانه به فرانسه اجازه می‌داد تا نفوذ خود را در خلیج فارس توسعه داده و از یک وجهه دوستی میان کشورهای عربی برخوردار شود.

جنگ ایران و عراق، روابط عراق و فرانسه را وارد مرحله‌ای جدید از بیم و امید ساخت. فرانسه نگران از دست رفتن سرمایه‌ها و بدهی‌های عراق به خود بود. عراق با افزایش خریدهای تسلیحاتی، عملاً فرانسه را به خود وابسته کرده بود و فرانسه بیم آن داشت که در صورت عدم حمایت از عراق، سرمایه‌هایش به کشور باز نگردد. میزان این بدهی‌ها بنا بر آمار مؤسسه کوفاس حدود ۴۰ میلیارد فرانک می‌شد. از سوی دیگر شکست عراق باعث می‌شد موقعیت حدود ۶۵ شرکت بزرگ فرانسوی که در عراق کار می‌کردند، به خطر افتد. جنگ ایران و عراق منجر به رشد شدید صادرات و فروش کالاهای فرانسوی به عراق شد.

در سال ۱۹۸۲ با اینکه واردات عراق ۳۰ درصد کاهش یافته بود، فروش کالاهای فرانسوی به عراق ۱۹ درصد افزایش یافت و فرانسه تبدیل به دومین تأمین‌کننده کالاهای مورد نیاز عراق پس از آلمان فدرال شد.<sup>۱۵</sup>



**آمریکا جهت حمایت از عراق، اقدامات اقتصادی زیادی را انجام داد. پس از کاهش صدور نفت از سوی ایران به علت شرایط ایجاد شده بعد از انقلاب، فرمت گرانمایی برای عراق فراهم شد و آمریکا به حمایت از عراق پرداخت تا جایی که صدور نفت این کشور در آن شرایط بحرانی جنگ به دو برابر رسید.**

**رفتار دولت فرانسه به مرور زمان و پس از آشنایی با اصول سیاست خارجی ایران که مبتنی بر نفی سلطه آمریکا و هم‌پیمانانش بر کشور و تکیه بر استقلال و حمایت از حرکت‌های اسلامی و آزادی‌بخشی ملت‌ها و دوستی با دولت‌های مستضعف آفریقایی و آسیایی بود، دستخوش تغییرات بسیاری شده و اندک‌اندک جو تبلیغاتی داخلی فرانسه علیه ایران شکل گرفت.**

عراق با افزایش خریدهای تسلیحاتی، عملاً فرانسه را به خود وابسته کرده بود و فرانسه بیم آن داشت که در صورت عدم حمایت از عراق، سرمایه‌هایش به کشور باز نگردد. از سوی دیگر شکست عراق باعث می‌شد موقعیت حدود ۶۵ شرکت بزرگ فرانسوی که در عراق کار می‌کردند، به خطر افتد.

«کلود شیسون» وزیر امور خارجه سوسیالیست فرانسه اعلام کرد: «انقلاب فمینیست در ایران، بسیار خطرناک و نگران‌کننده است و این انقلاب می‌تواند تمام منطقه خاورمیانه را در جنگ گسترده درگیر کند و بدین خاطر فرانسه از عراق در برابر توسعه‌طلبی‌های فئاتیک ایران حمایت می‌کند.»

کمک‌های فرانسه به عراق کم‌کم آشکار می‌شد و روابط ایران و فرانسه وارد برهه دوم زمانی خود می‌گشت. فرانسه احساس می‌کرد در صورت خودداری از حمایت عراق، زحمات ده سال گذشته‌اش برای نفوذ در منطقه خلیج فارس بر باد رفته است. «کلود شیسون» وزیر امور خارجه سوسیالیست فرانسه اعلام کرد: «انقلاب فمینیست در ایران، بسیار خطرناک و نگران‌کننده است و این انقلاب می‌تواند تمام منطقه خاورمیانه را در جنگ گسترده درگیر کند و بدین خاطر فرانسه از عراق در برابر توسعه‌طلبی‌های فئاتیک ایران حمایت می‌کند.»<sup>۱۶</sup>

در این مقطع زمانی، دور حساس موضع‌گیری‌های کشورهای منطقه و کشورهای عرب به طور عام و فرانسه به صورت خاص ظاهر شد. فرانسه اقدام به تحویل پنج فروند هواپیمای سوپر استنادارد مجهز به موشک‌های آگزوسه به عراق کرد و در همین حال، بدهی‌های عراق را قسط‌بندی کرد و حتی وام یک میلیارد دلاری به این کشور اعطا نمود. فرانسه در سال ۱۹۸۱ قراردادی برای فروش یک توپ بسیار پیشرفته ۱۵۵ را با عراق امضا کرد که تا آن زمان حتی خود فرانسه نیز به آن مجهز نشده بود. از سال ۱۹۸۲، ۸۵ دستگاه از این توپ به ارتش عراق تحویل داده شد.

**دادن وام‌های کلان به دیکتاتور محبوب، بدون نظارت حسابرسان مالی صورت می‌گرفت و آمریکا جهت قانع نمودن کشورهای دیگر برای کمک به عراق بسیار تلاش می‌کرد.**

**فروش تسلیحات پیشرفته فرانسه به عراق محدود به جنگنده بمب‌افکن‌های میراژ ۲۰۰۰، توپ‌های ۱۵۵ و موشک‌های AS۳۰L نمی‌شد، بلکه برخی سلاح‌های دیگر با تکنولوژی پیشرفته‌تر برای صدام به کارخانجات فرانسوی سازنده سفارش داده می‌شد.**

**محوریت شعار «نه شرقی و نه غربی» در سیاست خارجی ایران باعث شد که غرب و شرق به یک اندازه از این قضیه متضرر شوند و تصمیم‌گیری برای جانبداری و انتخاب یکی از طرفین جنگ، برای دولت‌های قدرتمند آسان شود و شوروی نیز از این قاعده مستثنی نبود.**

**انور سادات رئیس جمهور مصر در سال ۱۹۸۱ گفت: «چنانچه ایران در جنگ غالب شود و تشیع به پیروزی برسد، من سرنگون خواهم شد.» و شاه حسن دوم - پادشاه مراکش - اعلام کرد: «اگر سربازان خمینی به شهر مقدس کربلا برسند، آنگاه شیعیان حافظان کلیه اماکن مقدس جهان اسلام و حتی بیت‌المقدس خواهند بود.»**

فروش تسلیحات پیشرفته فرانسه به عراق محدود به جنگنده بمب‌افکن‌های میراژ ۲۰۰۰، توپ‌های ۱۵۵ و موشک‌های AS۳۰L نمی‌شد، بلکه برخی سلاح‌های دیگر با تکنولوژی پیشرفته‌تر برای صدام به کارخانجات فرانسوی سازنده سفارش داده می‌شد. در برخی از سال‌ها حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد تولیدات شرکت‌های فرانسوی سازنده موشک تنها به عراق اختصاص داشت. انتخاب شیوه حمله، نقطه سوخت‌گیری در هوا، پایگاه‌های نجات در کشورهای عربی همسایه، همه با کمک مستشاران فرانسوی صورت می‌گرفت.<sup>۱۷</sup>

گذشته از مسائل ذکر شده، به دنبال عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری و پناهنده شدن وی به مسعود رجوی - رهبر گروهک سازمان مجاهدین خلق در فرانسه - روابط دو کشور تیره شد و این تیرگی روابط، با روی کار آمدن سوسیالیست‌ها در فرانسه بیشتر شد تا جایی که در آن مقطع زمانی، فرانسه یکی از مراکز مهم ضد انقلاب شده بود.<sup>۱۸</sup>

روابط فرانسه و عراق تا انتهای جنگ صرف‌نظر از این که چه جناحی در فرانسه بر سر قدرت بود، به خوبی ادامه داشت. سوسیالیست‌ها به رغم مرامنامه سیاسی و حزبی خود، با چشم‌پوشی از یکی از اصول اساسی، مقدار زیادی تسلیحات به کشوری در حال جنگ با همسایه خود تحویل دادند و عملاً در جنگ بدون اینکه قادر باشند ابعاد آن را کنترل و یا میزان خطرات آن را اندازه‌گیری کنند، شریک شدند.

### نقش روسیه در جنگ ایران و عراق

محوریت شعار «نه شرقی و نه غربی» در سیاست خارجی ایران باعث شد که غرب و شرق به یک اندازه از این قضیه متضرر شوند و تصمیم‌گیری برای جانبداری و انتخاب یکی از طرفین جنگ، برای دولت‌های قدرتمند آسان شود و شوروی نیز از این قاعده مستثنی نبود. از یک سو کشور عراق وجود داشت که از سال‌های ۱۹۶۷ به بعد دارای روابط حسنه‌ای با شوروی بود و از سوی دیگر کشوری همسایه که انقلاب اسلامی، منافع آن را مستقیماً مورد تهدید قرار داده بود و دستاوردهای قبلی در زمان رژیم پهلوی را بر باد داده بود. در نتیجه میل به طرفداری از عراق در شوروی بی‌دلیل نبوده است.<sup>۱۹</sup>

در هفته‌های اول جنگ، پنج ناو جنگی شوروی، محموله‌هایی از تجهیزات نظامی را در بندر عقبه تخلیه و بلافاصله آن‌ها را با کامیون از راه اردن به عراق ارسال کردند. در مرحله دوم، برخی مقامات شوروی با رایزنی با شاهپور بختیار و عراق چنین توافق کردند که پس از تصرف نواحی جنوبی ایران توسط عراق، شاهپور بختیار حکومتی را تشکیل و آن نواحی را اداره نماید.<sup>۲۰</sup>

**البته هدف اصلی حاکمیت اعضای حزب توده بود.**

از اواخر سال ۱۹۸۲ سیاستمداران ایرانی به دلیل مشکلات ناشی از جنگ و انزوای سیاسی و همچنین مشکلات داخلی که هر



از اواخر سال ۱۹۸۲ سیاستمداران ایرانی به دلیل مشکلات ناشی از جنگ و انزوای سیاسی و همچنین مشکلات داخلی که هر انقلاب نوپایی امکان درگیری را با آن دارد، آمادگی خود را جهت تجدید همکاری های فنی شوروی و پذیرش کمک های فنی شوروی اعلام کردند. این ابراز تمایل با حسن استقبال روس ها مواجه شد.

انقلاب نوپایی امکان درگیری را با آن دارد، آمادگی خود را جهت تجدید همکاری های اقتصادی و پذیرش کمک های فنی شوروی ابراز کردند. این ابراز تمایل با حسن استقبال روس ها مواجه شد و روابط اقتصادی - نظامی بین دو سو آغاز گردید. البته موانع و مشکلاتی نیز در این زمینه وجود داشت که مخالفت ایران با مداخله نظامی شوروی در افغانستان، تلاش ایران برای صدور انقلاب اسلامی به کشورهای جهان و نگرانی دولتمردان شوروی و نگرانی از پیروزی ایران در جنگ و حاکمیت دولت بنیادگرای اسلامی از آن جمله بوده اند.<sup>۳۱</sup>

با جایگزینی آندریف به جای برژنف در مقام رهبری شوروی که معتقد به مداخله نظامی در تصمیم گیری های سیاسی بود و در سیاست خارجی حفظ متحدین قدیمی (عراق) را بر اتحاد با دوستان غیر صمیمی (ایران) ترجیح می داد و خواهان تقویت روابط با دوستان قدیمی بود، روابط ایران و شوروی رو به سردی نهاد.<sup>۳۲</sup> کمک در راستای برنامه موشک های بالستیک عراق، موشک های «Frog AV» و موشک های اسکاد B؛ از جمله همیاری های نظامی روسیه بود که از قبل از جنگ ایران و عراق آغاز و در طول جنگ نیز ادامه داشت. در اوایل جنگ شوروی ظاهراً تمایل به بی طرفی داشت، ولی با پدیدار شدن نشانه های شکست در ارتش عراق به یاری آن ها شتافت. شوروی در ۱۹۸۴ فروش تسلیحات به عراق را رسماً آغاز کرد. فروش هزار دستگاه تانک T۶۲ و ۷۰۰ تانک «TV۲»، ۸۰۰ خودروی زرهی، ۵۰۰ دستگاه توپخانه، ۳۵۰ موشک اسکاد B، از جمله کمک های نظامی روسیه به عراق است.

زاماندان شوروی از کمک های نظامی گسترده به عراق اهدافی را دنبال می کردند. پیمان بغداد، کشورهای مسلمان و عرب را گردهم آورد و هدایت انسان از طریق وزارت خارجه آمریکا صورت می گرفت. زنگ های خطر برای شوروی به صدا درآمد، لذا تصمیم گرفت تا با کمک های نظامی به عراق، این کشور را به خود وابسته کرده و در میان جامعه عرب جایی را برای خود باز کند. عراق نیز به عنوان کشور عربی ثروتمند و دارای ذخایر نفتی در کنار خلیج فارس، می توانست متحدی بسیار ارزشمند برای شوروی باشد. پیروزی انقلاب در ایران، شوروی را هوشیار کرد و شوروی ترجیح داد ایران و عراق در یک جنگ فرسایشی در کنار هم تضعیف شوند.<sup>۳۳</sup>

با به قدرت رسیدن گورباچف و تغییر و تحول عمیق در سیاست خارجی، زاماندان شوروی معتقد به خاتمه جنگ ایران و عراق و حل و فصل آن از طریق مسالمت آمیز شدند. آنان در یک اقدام عملی، کارشناسان خود را به بهانه عدم امنیت ناشی از جنگ، فرا خواندند و در جریان رأی گیری نسبت به قطعنامه ۵۹۸، به سایر اعضای شورای امنیت پیوستند.

### جنگ ایران و عراق و حضور سایر کشورها

با آغاز جنگ ایران و عراق، جامعه اقتصادی اروپا، بارها خواستار آتش بس و شروع مذاکرات بین ایران و عراق شد، اما نکته مهم



**باید اذعان داشت که آغاز جنگ تحمیلی تصمیم شخص صدام حسین نبود، بلکه این مسئله به بافت سیاسی حاکم بر رژیم وقت عراق و سوء استفاده های دشمنان ایران از آن باز می گردد.**

**اگر در طول ۸ سال جنگ حرکات موفق و هوشمندانه ای از سوی نیروهای عراق دیده می شد، در نتیجه اقدامات اطلاعاتی بوده که توسط سیستم های پیشرفته، در اختیار ارتش عراق گذارده می شد.**

**گاری سیک، مشاور برژینسکی اعلام کرد: «انقلاب اسلامی ایران منافع آمریکا را در منطقه تهدید می کند و یک عراق قدرتمند می تواند جلوی آرزوهای توسعه طلبانه آیت الله خمینی را مسدود کند.»**





**با جایگزینی آندریف به جای برژنف در مقام رهبری شوروی که معتقد به مداخله نظامی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی بود و در سیاست خارجی حفظ متحدین قدیمی (عراق) را بر اتحاد با دوستان غیر صمیمی (ایران) ترجیح می‌داد و خواهان تقویت روابط با دوستان قدیمی بود، روابط ایران و شوروی رو به سردی نهاد.**

**با به قدرت رسیدن گورباچف و تغییر و تحول عمیق در سیاست خارجی، زمامداران شوروی معتقد به خاتمه جنگ ایران و عراق و حل و فصل آن از طریق مسالمت‌آمیز شدند. آنان در یک اقدام عملی، کارشناسان خود را به بهانه عدم امنیت ناشی از جنگ، فرا خواندند و در جریان رای‌گیری نسبت به قطعنامه ۵۹۸، به سایر اعضای شورای امنیت پیوستند.**

این است که اقدامات جامعه اروپا صرفاً ماهیتی دیپلماتیک داشت و در راستای این قضیه اقدام خاصی انجام نداد. در خصوص همکاری با طرفین جنگ، کشورهای عضو جامعه اقتصادی کاملاً در چارچوب منافع دو جانبه خود عمل کردند و حتی نگران اتخاذ یک موضع مشترک یا یک استراتژی کلی برای آینده نبودند.

در این بین انگلستان به دلیل منفعت‌جویی‌های سنتی کشورش برای ارسال کمک‌های نظامی به عراق شتافت و ایتالیا برای برقراری روابط نزدیک با جهان عرب و پیروی از آمریکا، به عراق دست دوستی داد. به طور مثال، دولت کارتر اعلام کرد: «اطلاع یافته که ایتالیا تجهیزات حساسی را که می‌تواند در ساخت پلوتونیوم فاز تسلیحاتی به کار گرفته شود، در اختیار عراق قرار داده است.»<sup>۲۴</sup> و آلمان غربی نیز عراق را به وسایل فنی و شیمیایی مجهز کرد.

انور سادات رئیس جمهور مصر در جریان دیدار کلود شیسون وزیر خارجه فرانسه در سال ۱۹۸۱ گفت: «چنانچه ایران در جنگ غالب شود و شیوع به پیروزی برسد، من سرنکون خواهم شد.» و شاه حسن دوم - پادشاه مراکش - اعلام کرد: «اگر سربازان خمینی به شهر مقدس کربلا برسند، نگاه شیعیان حافظان کلیه اماکن مقدس جهان اسلام و حتی بیت‌المقدس خواهند بود.»<sup>۲۵</sup> لذا نگرانی از گسترش تشیع، علاوه بر میل به همبستگی میان اعراب، باعث شد تا کشورهای عربی نیز حامیان عراق شوند.

در همین رابطه «دیلی گراف» در ۱۹۸۰/۹/۲۴ اعلام کرد، روزنامه کویتی عرب تایمز، در یک سرمقاله انتقادآمیز نسبت به ایران گفت: «ایران باید به خوبی آگاه باشد که کشورهای عرب خلیج [فارس] چاره‌های جز جانب‌داری از عراق ندارند. چون از هرج و مرج و آشفتگی‌های بازاری که ایران برای منطقه به ارمغان آورده، منزجر می‌باشند.»<sup>۲۶</sup> برزیل حدود ۱۰۰ دستگاه راکت‌انداز، ۲۵۰ خودروی زرهی و ۹۶۰ دستگاه موشک زمین به زمین به ارتش عراق تحویل داد. چین ۱۳۰۰ دستگاه تانک و ۷۰۰ خمپاره، چک و اسلواکی ۱۰۰۰ خودرو و شیلی هزاران بمب خوشه‌ای تقدیم عراق کردند.

در سال ۱۹۸۱ عراق توانایی چندانی برای تولید مقادیر قابل توجهی از عوامل شیمیایی نداشت، اما با انتقال مقادیری از عوامل شیمیایی و مواد آن از ذخائر شوروی به عراق و خرید تجهیزات ویژه از کشورهای اروپایی و ایالات متحده، این ضعف را جبران کرد. در سال‌های اولیه جنگ، عراق آشکارا اقدام به عقد قرارداد خرید تجهیزات فنی گوناگون از کشورهای اروپایی خصوصاً آلمان غربی کرد. به گزارش یکی از رهبران اتحادیه میهنی کردستان عراق، کارشناسان آلمان غربی در نزدیکی سامرا مشغول تولید تسلیحات شیمیایی بوده‌اند و کارشناسان آرژانتینی و برزیلی نیز در کارخانه‌های عراق مشغول به کار بوده‌اند.<sup>۲۷</sup>

کارشکنی در متجاوز شناختن عراق و محکوم شدن این کشور در مجامع بین‌المللی، جنگ روانی و مداوم علیه ایران، کمک‌های تسلیحاتی بسیار گسترده و مجهز نمودن عراق به سلاح‌های کشتار جمعی و ... همه نشانه‌های از تلاش این دولت‌ها برای رسیدن به اهداف منفعت‌طلبانه خودشان بوده است. جالب توجه این‌که،

شورای امنیت نیز در تصمیمات متخذه و قطعنامه‌های صادره خود هیچ برخورد اصولی با جنگ و متجاوز نکرد و حتی زمانی که نیروهای عراق در هزاران کیلومتر از خاک ایران مستقر بودند، خواستار عقب‌نشینی آن‌ها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی نشد و در طول ۸ سال جنگ، هیچ‌گاه از عراق به عنوان آغازگر جنگ و متجاوز نام نبرد و مسئولیت آن را به رسمیت شناخت.

به نظر می‌رسد مناسب‌تر آن باشد که از جنگ تحمیلی میان ایران و عراق، با عنوان «جنگ ایران و قدرت‌های جهانی» یاد نماییم.

#### منابع:

۱. حدیث ولایت، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۱۳۱.
۲. فوزی، یحیی، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، ج ۱، تهران، عروج، ۱۳۸۴، ص ۴۱۰ - ۴۱۴.
۳. احمدی روحانی، حسین، سازمان مجاهدین خلق، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۵۹.
۴. حائری، علی و همکاران، روز شمار ششمی، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵.
۵. کریمی، احمد رضا، سازمان مجاهدین خلق و مواضع آن‌ها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۷ - ۸.
۶. آقابابایی، زهره، نیکجو، علی، نگرشی بر اصول و مبانی مدیریت نظامی، تهران، نقش بیان، ۱۳۸۵، ص ۶۷.
۷. همان، ص ۶۵.
۸. همان، ص ۳۵۴.
۹. تهامی، سیدمجتبی، بهمنی، گل محمد، سیاست آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی، تهران، مرکز اسناد تاریخ و دیپلماسی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰.
۱۰. همان، ص ۲۱۲.
۱۱. آلن، فریدمن، خانه عنکبوت، مترجم: مهوش غلامی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۴۸.
۱۲. تهامی، سیدمجتبی، بهمنی، گل محمد، همان، ص ۲۲۱ - ۲۲۲.
۱۳. دعاوی ایران، بررسی کمک‌ها و حمایت غرب به ویژه آمریکا از صدام در جنگ تحمیلی، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۴۵۴.
۱۴. کتاب اروپا، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، ج ۲، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۴.
۱۵. دعاوی ایران، همان، ص ۴۷۰.
۱۶. همان، ص ۴۶۷.
۱۷. همان، ص ۴۷۴ - ۴۷۵.
۱۸. کتاب اروپا، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا، همان، ص ۲۶۵.
۱۹. ملوین، گودمن، جهت‌گیری تازه گورباچف و خاورمیانه، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۷، فروردین ۱۳۳۷، ص ۲۷ - ۲۸.
۲۰. رابرت، فریدمن، گورباچف و جنگ ایران و عراق، مترجم: الهه کولایی، فصلنامه سیاست خارجی، ص ۱۱، ۱۳۷۶، ص ۳۷۰.
۲۱. کامکاری، منصور، تأثیر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی، تهران، پرسمان، ۱۳۸۵، ص ۹۰.
۲۲. یان، در بیشایر، تحولات سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی از برژنف تا گورباچف، مترجم: هرمز همایون‌پور، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۳۷، ص ۹۷ - ۹۸.
۲۳. کتاب اروپا، همان، ص ۴۷۹.
۲۴. اسناد تجاوز به روایت مطبوعات خارجی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۶، ص ۵۷.
۲۵. دعاوی ایران، همان، ص ۴۷۳.
۲۶. همان، ص ۴۷۹.